



فهرست مطالب

۲.....	مقدمه
۲.....	نظریه آیات محوری
۲.....	شیوه‌ها و مندهای تفسیری
۲.....	تفسیر ترتیبی
۳.....	تفسیر موضوعی به معنای متعارف
۳.....	تفسیر موضوعی بالمعنی الذی أكد علیه شهید الصدر
۳.....	دو کارکرد متفاوت فقه
۳.....	کارکرد اول: اجتهاد ترکیبی
۴.....	کارکرد دوم: بررسی و عرضه موضوعات نوین بر ادله فقهی
۴.....	اقسام و طبقه‌بندی‌های مختلف روی کرد اول
۵.....	تطبیق کارکرد دوم فقه بر مباحث تفسیری توسط شهید صدر
۵.....	تعمیم دو کارکرد فقه در مسائل توصیفی
۵.....	تبیین کارکرد اول در مسائل توصیفی
۶.....	تبیین کارکرد دوم در مسائل توصیفی
۶.....	تعمیم دو کارکرد فقه به مباحث تفسیری



بسم الله الرحمن الرحيم

## مقدمه

در طی جلسات متعدد، دوازده آیه در باب تکالیف تربیتی و تعلیمی خانواده از منظر فقهی مطرح و بررسی شد البته گرچه بحث، در تکالیف آموزشی خانواده می‌باشد اما در حقیقت این تفکیک بین مسائل تربیتی و تعلیمی در مباحث گذشته ملموس نبود و علت آن هم جامعیت و گستردگی این ادله نسبت به هر دو بحث بود. به نظر ما اگر با همین شیوه و مدل، آیات الاحکام بررسی شود نکات و مطالب بیشتری می‌توان از این آیات استفاده کرد.

## نظریه آیات محوری

در اواخر جلسه قبل نکته‌ای در ذیل این آیات مطرح شد مبنی بر این که بسیاری از آیات قرآن منظومه و مجموعه‌ای در حول یک موضوع می‌باشند که در بین این مجموعه و منظومه یکی از آیات محور بحث می‌باشد و دیگر آیات به محوریت آن آیه به بیان جنبه‌ها و زوایای مختلف آن موضوع و محور می‌پردازند. به نظر ما این مطلب را می‌توان به عنوان نظریه آیات محوری مطرح کرد و شواهد و قرائنی هم بر این مطلب وجود دارد و نمونه‌های فراوانی هم می‌توان برای آن ذکر کرد. این نظریه تفسیری در بحث تفسیر موضوعی به همان مفهوم متعارف آن نه معنایی که شهید صدر برای تفسیر موضوعی بیان کرده است، مطرح می‌باشد.

## شیوه‌ها و متدهای تفسیری

در حقیقت تفسیر را می‌توان به اقسامی تقسیم کرد.

### تفسیر ترتیبی

تفسیر ترتیبی، تفسیر آیات قرآن به ترتیب آیه به آیه می‌باشد که البته این قسم هم دارای اقسامی می‌باشد که در اینجا به آن‌ها اشاره نمی‌کنیم.



## تفسیر موضوعی به معنای متعارف

یکی از شیوه‌های تفسیری، تفسیر موضوعی به معنای متعارف آن نه موضوعی بالمعنی الذی أكد علیه شهید الصدر می‌باشد. در این شیوه تفسیری همه آیاتی که را به موضوعاتی مانند حسادت، دروغ، کبر، توحید، نبوت و یا موضوعاتی دیگر مرتبط می‌باشد، را جمع می‌کنند و آنان را در کنار یکدیگر قرار می‌دهند و به مباحث آن نظامی می‌دهند. شهید صدر از این شیوه تفسیری به‌عنوان شیوه تفسیر ترکیبی تعبیر می‌کند.

## تفسیر موضوعی بالمعنی الذی أكد علیه شهید الصدر

شیوه و متد دیگری در مباحث تفسیری وجود دارد که شهید صدر از آن به تفسیر موضوعی تعبیر می‌کند بدین صورت که مفاهیم، تئوری‌ها و موضوعات نوین و نوپدید که واژه‌ها و تعابیر آن‌ها در قرآن نیست مانند مباحث جدیدی که در روانشناسی، تاریخ، جامع‌شناسی اقتصاد و بانکداری و دیگر مفاهیم نوین تولید شده در تمدن بشری، بر قرآن و متون دینی عرضه شود و از آن‌ها استنتاج شود.

## دو کارکرد متفاوت فقه

این متد و شیوه‌ای که شهید صدر در تفسیر ذکر کرده‌اند در متد اجتهادی شیعه، بحث جدیدی نیست و نظایر آن در فقه وجود دارد و در واقع فقه دو نوع کارکرد دارد.

## کارد کرد اول: اجتهاد ترکیبی

یکی از کارکردهای فقه همان اجتهاد ترکیبی فقه می‌باشد مانند مباحثی مانند وضو، خیار غبن، غش یا تدلیس که با همین عناوین و مفاهیم در منابع ذکر شده‌اند و روایاتی در مورد آن‌ها و در همین ابواب وارد شده‌اند منتهی این روایات باید در کنار هم قرار بگیرند و انتظام پیدا کنند و مجموعه‌ای تشکیل شود و تحلیل و بررسی شوند و معارضات احتمالی آن‌ها معالجه شود و حاصل آن حکم فقهی می‌باشد، این کارکرد، یک نوع کارکرد فقه است که تجمیع ادله از منابع روایی و کتابی و احیاناً عقل و نظم دادن به آن‌ها و فهم تحلیل و انتظام و معالجه معارضات آن‌ها و نتیجه و خروجی این عملیات و فرایند فقهی و عملیات فقیه، یک حکم یا یک نظام فقهی است. این کارکرد فقه در واقع اجتهاد ترکیبی در موضوعات مطروحه در منابع و جمع‌آوری و بررسی ادله آن‌ها می‌باشد و به عبارتی کارکرد اول حرکت من المصادر الی



النتائج و الى الموضوعات و الموضوع متخذ من نفس المصدر و مطروح بجميع جوانبه في المصادر و الاخبار و الاحاديث. اين کارکرد غالباً در عباديات و توقيفيات جاري مي باشد البته در غير اين موارد هم وجود دارد و مصاديق زيادي دارد.

## کارد کرد دوم: بررسی و عرضه موضوعات نوین بر ادله فقهی

دومین کارکرد فقه که در طول زمان هم وجود داشته است این است که به خلاف کارد اول، عناوین، موضوعات و مفاهیم مورد بحث را از ادله نمی گیریم بلکه حرکت معکوس است یعنی در سیر تحولات زندگی و تمدن بشری موضوعات، عناوین و مفاهیم جدیدی مطرح می شود که واژه و لفظ آنها در متون دینی نیست مانند بحث تغییرات آب و هوایی یا محیط زیست که اگر این موضوعات و عناوین به درستی بر متون دینی عرضه شود چه بسا ادله متعدد و زيادي با آنها ارتباط داشته باشد که حتی لفظ و واژه این عناوین و عبارات در این ادله وجود نداشته باشد البته این عرضه باید در چارچوب ظواهر و طبق قواعد باشد. در فقه قواعد عامه فقهی وجود دارد که می توان بسیاری از مسائل و موضوعات نوین فقهی را بر آنها عرضه کرد و بر پایه آنها و در چارچوب ظواهر، اصول و قواعد حکم آنها را به دست آورد. این روی کرد و کارد دوم تأثیر مهمی در طبقه بندی فقه و هم در عرضه مسائل و موضوعات جدید و هم در استنتاج از خود آیات و روایات دارد. این روی کرد و کارد بیشتر در غير عبادات رواج دارد البته این روی کرد گاهی نیز عبادات هم وجود دارد. این رویکرد و کارکرد همان حوادث واقعه و موضوعات جدید می باشد که اگر شخصی مجتهد نباشد گمان می کند، احکامی که در مورد این حوادث واقعه و موضوعات نوین مطرح می شود چیزی است که در متون دینی وجود ندارد اما شخص مجتهد حکم آنها را از متون و ادله فقهی استخراج می کند و اگر در مواردی در متون و ادله و قواعد دلیلی بر آنها پیدا نکرد به اصول عملیه و عامه مراجعه می کند.

## اقسام و طبقه بندی های مختلف روی کرد اول

در کارکرد و روی کرد اول فقه (که موضوعات و مسائل مطروحه با همان عناوین در مصادر اولیه اعم از آیات و روایات وجود دارد که غالباً در عبادات این گونه است یعنی هم موضوع و هم محمول و حکم همه از خود منابع گرفته شده است و تنها ادله آن تجمیع و بررسی شده است) در مقام ارائه و بیان نتایج آن و عرضه آن، طبقه بندی و اقسام متفاوتی وجود دارد، گاهی با همان تعابیر، واژه ها و الفاظی که در روایات آمده است بیان می شود که به آن الفقه المأثور می گویند مانند کتاب مرحوم آقای مشکینی کتب مرحوم صدوق که در مقام بیان فتوای، عین الفاظ روایات را آورده اند و



یا آنچه در تبویب و باب بندی کتاب وسائل الشیعه وجود دارد که تیترا ابواب نیز الفاظ روایات است. گاهی نیز در مقام بیان و ارائه، عبارات تفنن پیدا کرده و به شیوه‌های جدید و طبقه‌بندی‌های جدیدی مطرح می‌شود ولی و روح فقه در آن نو نیست بلکه همانی است که موضوعا و محمولا در منابع وجود دارد و تنها ادله آن تجمیع و بررسی شده است مانند کتب شیخ طوسی که احکام را به شیوه‌ای جدید و نو بیان کردند و یا کتاب الفتاوی الواضحة شهید صدر و یا رساله‌های امروزی که بعد از انقلاب اسلامی در این زمینه و انواع متدهای بیان احکام فعالیت‌های زیادی صورت گرفته است.

## تطبيق کارکرد دوم فقه بر مباحث تفسیری توسط شهید صدر

کاری که شهید صدر در اینجا انجام داده‌اند و نظریه‌ای که مطرح کرده‌اند این است که دوکارکردی را که در فقه بوده است بر تفسیر تطبیق داده است و حاصل نظر ایشان این است که همین دو رویکرد و روش و مواجهه، در تفسیر قرآن وجود دارد و در مباحث تفسیری به کار می‌رود و همچنین اینکه اختصاص به احکام فرعی و فقهی ندارد بلکه در مباحث نظری هم وجود دارد (البته این مطلب به این شیوه در کلام ایشان نیست ولی از کلام ایشان برداشت می‌شود)

## تعمیم دو کارکرد فقه در مسائل توصیفی

بیان شد که دو روش و کارکرد و متد در فقه وجود دارد یکی مبتنی بر اخذ موضوع و محمول از متون دینی و ادله می‌باشد و کار فقیه و مجتهد تجمیع ادله و تفسیر و تحلیل و رفع و علاج تعارضات احتمالی آن‌ها است و کارکرد دوم عرضه موضوعات نوین و نو پیدا بر متون و ادله و استنتاج از آن‌ها بنا بر اینکه بپذیریم لکل واقعه حکم یعنی هر واقعه و موضوعی دارای حکمی در شرع می‌باشد مانند بیمه و بانکداری که از موضوعات نوین می‌باشد و سیر تحول زندگی بشری مقتضی آن بوده است و بالاینکه تعبیر و الفاظ این موضوعات در متون دینی بحثی از آن وجود ندارد اما می‌توان حکم آن‌ها از ادله و متون دینی به دست آورد. آنچه ما بر آن تأکید می‌کنیم این است که این دو روش و متدولوژی و رویکرد را در مسائل توصیفی هم می‌توان اجرا کرد.

## تبیین کارکرد اول در مسائل توصیفی

کارکرد اول فقه که از نظر اثباتی و ارائه بر دو نوع بود، در مسائل توصیفی هم وجود دارد. وقتی به قرآن و روایات مراجعه می‌شود به یک سری از قواعد روان‌شناسانه و توصیفگر کارکردهای نفسانی انسان مانند آیه «كَلَّا إِنَّ الْإِنْسَانَ



لَيْطَعِي أَنْ رَأَهُ اسْتَعْنَى» العلق / ۷-۶ که یک قانون روان‌شناختی می‌باشد و یا به یک سری از قوانین و مسائل در حوزه مسائل اجتماعی، سیاسی و اقتصادی و همچنین در مورد مسائل اعتقادی مانند بحث نبوت و توحید برخورد می‌کنیم که موضوعاً و محمولاً در متون وجود دارد و کار مجتهد و متکلم در معارف به معنای خاص و عام آن، در این عرصه همان روی کرد و متد اول در فقه یعنی تجمیع و تحلیل و بررسی آن ادله و استخراج این توصیفیات نه احکام از متون و ادله فقهی می‌باشد. البته این نوع کارکرد نیاز به شیوه‌ای خاص دارد که برخی از اصول این شیوه با اصول موجود مشترک و برخی نیز تفاوت‌هایی دارد که باید تفصیل در مورد تحقیق و بحث شود.

### تبیین کارکرد دوم در مسائل توصیفی

تطبیق کارکرد دوم فقه یعنی عرضه موضوعات و مسائل نوین بر متون و ادله و استنتاج از آن‌ها در توصیفیات هم جاری است که در این نوع کارکرد مباحث زیادی در حوزه علم و دین، علوم طبیعی و علوم انسانی مطرح می‌باشد. شهید صدر و برخی دیگر از بزرگان این کارکرد و متد را در برخی سنت‌های اجتماعی بکار برده‌اند. در حوزه‌های علوم انسانی نیز کم‌وبیش طبق این متد و روی کرد، کارهایی صورت گرفته است که البته نیاز به بحث‌های خیلی عمیق، اجتهادی و روشمند دارد. به‌طور مثال در این روش این‌گونه بحث می‌کنیم که مثلاً فروید نظریاتی را مطرح کرده است که باید این نظریات و آراء با متون دینی تطبیق داده شود تا صحت آن‌ها تأیید یا رد شود البته در این کارکرد و متد باید احتیاط کرد و مباحث را به‌طور روشمند و صحیح پیش برد و در نهایت متون و ادله دینی، این نظریات و آراء مانند مکتب پایا گرایبی را یا تأیید می‌کنند و یا رد می‌کنند و یا اینکه درباره آن‌ها ساکت می‌باشد ولی در هر صورت نباید درباره آن‌ها پیش‌داوری کرد.

### تعمیم دو کارکرد فقه به مباحث تفسیری

دو کارکرد و متد اجتهاد در فقه، در مباحث تفسیری هم وجود دارد و این دو نوع کارکرد در تفسیر قرآن کریم حال چه در احکام و چه در توصیفیات هم وجود دارد که گاهی موضوعی از خود قرآن کریم اخذ می‌شود و حکم آن بیان می‌شود و گاهی نیز موضوعات نوین و جدید به قرآن عرضه می‌شود و حکم آن از قرآن استنتاج می‌شود البته این مطلب نکته‌ای جدا از مباحث گذشته نیست اما به خاطر اینکه قرآن متنی غنی‌تر از روایات دارد جداگانه مطرح کردیم. موضوع یابی در قرآن چهار مرحله دارد، گاهی یک آیه بررسی می‌شود، گاهی یک آیه در سیر ترتیب نزولی آن بررسی



می‌شود، گاهی بحث تفسیری در سیر ترتیب تنظیمی قرآن صورت می‌گیرد و به ترتیب آیات مورد بحث قرار می‌گیرند و گاهی نیز به صورت ترکیبی بحث تفسیری صورت می‌گیرد یعنی همه آیات و واژه مرتبط با موضوعی مورد بررسی قرار می‌گیرد که این قسم و وجه، صورت متکامل و اجتهادی در تفسیر قرآن می‌باشد که تفسیر آیه به آیه که مرحوم علامه طباطبایی به این شیوه بحث کرده‌اند یکی از قواعد اجتهاد ترکیبی تفسیری می‌باشد و شیوه صحیح و درست هم این شیوه تفسیر ترکیبی می‌باشد.

این متد و کارکرد دوم در مباحث تفسیری که عرضه موضوعات نوین و جدید بر قرآن و استنتاج از آن، که هم در تجویزیات و احکام جاری است و هم در مباحث توصیفی، کارنویی است که ریشه در سنت اجتهادی شیعه دارد.